

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي منّ علينا بمحمدٍ نبيّه - صلى الله عليه وآله -
دون الأمم الماضية و القرون السالفة

ارمغانی از اقلیمِ پارس

جویا جهانبخش*

فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس‌شناسی، محمد برکت، ج ۱، شیراز،
بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۴ ه. ش.

چکیده

فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس‌شناسی فهرستی است تازه انتشار یافته که
عهده‌دار معرفی نسخه‌های خطی متعلق به این بنیاد می‌باشد. گفتار حاضر به
معرفی فهرست یاد شده می‌پردازد و شماری از نسخه‌های مهم این فهرست را
برمی‌شمارد.

*. پژوهشگر متون اسلامی و عضو شورای علمی مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

کلید واژه: نسخه‌های خطی، میراث شهاب، فارس‌شناسی، بحارالانوار

۱. چند روز پیش در کتابفروشی یکی از دوستان با استادی مفضل از آشنایان قدیم دیداری دست داد. به اقتضای حال، محور مقال، کتاب و کتابخوانی بود. از این در و آن در گفتیم و شنیدیم. آن دانشور ارجمند که مردی کتاب دیده و کتاب خوانده و از زوایا و خبایای مکتوبات قدیم و مطبوعات جدید مطلع است، در خلال گفت و گوها سخنی گفت که طی چند روز اخیر بارها خاطر مرا به خود مشغول داشته است. گفت: «اغلب آنچه گذشتگان نوشته‌اند به خواندن می‌ارزد، برخلاف نوشته‌های معاصر!»

اگر فصل اخیر کلام او را هم نپذیریم و اینگونه داوری را در حق نوشتارهای همروزگارانمان مُنصفانه ندانیم^۱ - که حقیقتاً نمی‌دانم مُنصفانه هست یا نه! - بخش نخست سخن مرد در غایت متانت است.

از آن روز تاکنون با خود می‌اندیشم که حتی جُنکها و بیاض‌ها و اوراق پریشان و درهم برهم شخصی قدما نیز غالباً خواندنی است. هزار و یک علت (و شاید: عیب و علت!) می‌توان برای این خصیصه سراغ کرد که خود - دست کم - موضوع مقالتی است و مرا سر پرداختن به آن نیست. تا همین اندازه هم که گفتم، مقصود آن بود که خاطر نشان کنم علت عمده این همه اعتنا که به تحقیق و تفحص در «میراث مکتوب» می‌رود، همین است؛ همین که تراویده‌های قلم گذشتگان اغلب خواندنی و ارزشمند است (و لااقل ارزش سندی و تاریخی دارد؛ و این البته فضیلتی است که تنها در پی مُرور زمان و به رایگان نصیب متون قدیم گردیده!!)

فهارس نسخ خطی کلید راهیابی به این دنیای خواندنی‌هایند و هرچه مخطوطات معرفی شده در فهرست بدیع‌تر و خواندنی‌تر باشند، طبیعی است که مطالعه آن فهرست دلیزیرتر و خواستنی‌تر خواهد بود.

آنچه هم اکنون تسوید می‌کنم چند کلمه‌ای است حول یکی از این بهارهای فهرست و خواستنی که دوست ارجمند و نسخه پژوه گرامی، حجة الاسلام شیخ محمد برکت شیرازی، اخیراً برایم به ارمغان فرستاده است. خدایش پاداش نیکو دهد!

۲. فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس‌شناسی، پربرگ و سستبر نیست، ولی پربار و سودبخش است. چنان که از تورق ابتدایی فهرست حدس زدم - و این حدس را دوست دانشورم، استاد برکت، در مکالمه تلفنی تأیید فرمود - این مجموعه خطی که به بنیاد

فارس‌شناسی آمده، مجموعه‌ای دستچین است و سامان دهنده آن مردی نسخه‌شناس و صاحب اهلّیت بوده و چنان نبوده که هر سوادى بر بیاض، دل از او برباید و هر نسخه‌ای را نسنجیده و باری به هر جهت به مجموعه خویش راه دهد.

در عصر پهلوی که رنگ زمانه دگر شد و بسیاری از «علوم - به اصطلاح - قدیمه» از رونق افتاد^۲ و کتبخانه‌های فاضلان قدیم به دست وارثان پراکنده گردید و اغلب در معرض فروش قرار گرفت، شماری از مردمان گوه‌رشناس، به ویژه در فرهنگ شهرهای ریشه‌دار، چون اصفهان و شیراز و مشهد و تبریز، درصدد خریداری برخی از نفائس مخطوطات بودند که هر از چند گاهی از خانه این عالم یا کتبخانه آن فاضل راهی بازار می‌شد و أحياناً به ثمن بخش به فروش می‌رسید. برخی از مجموعه‌های نیکو که بعدها به کتابخانه‌های بزرگ فروخته شد و یا هنوز در دست مجموعه‌داران حقیقی (و نه حقوقی) است، از این دست محسوب‌اند و در همین روزگار پدید آمده یا توسعه یافته‌اند.

کتابخانه نفیس استاد فقید سید جلال الدین محدث أرموی - رَوَّحَ اللَّهُ روحه العزیز - که در نوع خود بی‌همتا بود و خوشبختانه با حُسن تدبیر کارگزاران مرجع عالی قدر، حضرت آیه الله سیستانی - دامَّ علاه - از ورثه آن مرحوم خریداری گردید و در شهر مقدّس قم برای استفاده عموم در دست ساماندهی است^۳، یکی از مجموعه‌های زبده و دستچین پدید آمده در روزگار مورد گفت و گوی ماست.

هنوز هم أحياناً دستنوشته‌ی بدیع از گوشه‌ای رخ می‌نماید و به مجموعه‌های کتابخانه‌های بزرگ ملّی یا مجموعه‌های خصوصی و شخصی راه می‌گشاید. نفائس بسیار در گوشه و کنار شهرها و روستاها و در حیات اشخاص مختلف قرار دارد که گاه نفاست و بداعتشان به تصوّر در نمی‌آید. بدایعی که در هر شماره فصلنامه میراث شهاب به قلم دکتر سید محمود مرعشی نجفی معرفی می‌گردد و در شمار تازه خریدهای کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی است، نمونه‌هایی از همین گنجهای پنهان‌اند.

شاید ده دوازده سالی پیش از این یک نسخه بسیار کهنه خمسۀ نظامی که به قلم آهنی نوشته شده بود و چندان از روزگار شاعر دور نبود - و اگر حافظه‌ام خطا نکند، چه بسا تصویر هم داشت - به قیمتی در حدود دو میلیون تومان در اصفهان عرضه گردید و متأسفانه توسط آنان که می‌باید مورد توجه قرار نگرفت^۴ و شاید از کشور خارج شد! باز همین چند سال پیش بود که چند جزء از بحارالانوار به خط شریف علامۀ مجلسی

«رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى دَرَجَتَهُ - در اصفهان معامله گردید و متأسفانه به جای آنکه از کتابخانه‌های عمومی یا مجموعه‌ای معتبر سر درآورد، میان سوداگران کتاب دست به دست شد و نمی‌دانم سر از کجا درآورد!»

«این سخن پایان ندارد ای رفیق!» همین اندازه باید شکرگزار بود که بیدارانی چون آیه الله زاده مرعشی چندان که مقدورشان باشد، اینگونه نفائس را برای استفاده عموم اهل دانش و فرهنگ خریداری می‌کنند و در کتابخانه‌ها جای می‌دهند.

همچنین باید شاکر بود که برخی مجموعه‌های زبده و دستچین از پراکندگی نجات می‌یابند و پس از خریداری، مانند مجموعه «بنیاد فارس‌شناسی» نگاهداری و معرفی می‌شوند.

۳. فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس‌شناسی، دربردارنده «معرفی تفصیلی یکصد و شش نسخه خطی و گزارش اجمالی مجموعه مرقعات خوشنویسان شیراز و فارس» (ص ۱۰) است که در «مرکز نسخ خطی و قطعات خوشنویسی»^۵ ی آن بنیاد (ص ۸) نگاهداری می‌شوند.

خوشبختانه استاد برکت تصاویری نیز از بعضی نسخه‌ها در این مجموعه آورده‌اند. این تصاویر به نوبه خویش متمم و مکمل معرفی نسخ است.

در اینجا برخی نسخه‌های این مجموعه را که در حیطه مطالعات صاحب این قلم جالب توجه بود به اجمال یاد می‌کنم، باشد که خوانندگان ارجمند، تصوّر روشن‌تری درباره مجموعه بنیاد فارس‌شناسی به هم رسانند:

۱. قصص الأنبياء - عليهم السلام - به فارسی، کتابت سده دهم.
نویسنده مرد شیعی متعصبی بوده است. ظاهراً بعضی کتابهای مستقل را در اثر خود گنجانیده است، مانند «قصه انوشیروان» که ظاهراً کتابی مستقل است، و نیز «قصه حسنیّه» به نقل از شیخ ابوالفتوح رازی،^۵ و نیز کل کتابت السّین الجامع للطائف البساتین طوسی! (نگر: ص ۱۲).

۲. مصباح السّالکین (شرح نهج البلاغه) نوشته ابن میثم بحرانی.
نسخه در سال ۹۹۰ ه. ق کتابت گردیده، ولی اهمیّت فوق العاده‌اش از جمله در آن است که از روی خط دانشمند و متصوّف نامی امامی، سیّد حیدر آملی، کتابت شده.^۶
بر نخستین برگ نسخه چنین نوشته شده: «هو، کتاب مصباح السّالکین تصنیف الشّیخ العالم الفاضل الفرید، کمال الحقّ والدّین، میثم بن علی بن میثم البحرانی - قدّس سرّه - و

هو في شرح نهج البلاغة من كلام مولانا أمير المؤمنين؛ قد نُقِلَ من النسخة التي هي بخط السيد الفاضل الورع الثقة العدل المتقي، حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآملي، الملتجئ بالمشهد الشريف الغروي، كانت هي نسخة صحيحة خالية عن السهو والخطأ إلا ما طرأ للناسخ من السقم والتصحيف في الأثناء، و من الله العصمة، و نعم المؤمنين.» (ص ١٤).

در فرجام دستنوشته نیز آمده: «قد انتسخت هذا الكتاب عن نسخة كتبت في آخرها هذه العبارة: هذا آخر المجلدات الخمسة بأجمعه متناً و شرحاً و كتبت من خط المولى المصنف - قدس الله روحه - و هو من كتب الوقف بالخزانة الشريفة الغروية - صلوات الله على صاحبها - على يد أضعف عباد الله، حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآملي و ما توفيقى إلا بالله. أقول: وجدت هذه النسخة في بلدة شيراز و استكتبتها ثم مع تلك النسخة المنقولة عن خط المصنف بلا وسط قابلتها بنفسى و حدها على قدر الطاقة و أرجو من الله تعالى أن يوفقنى لترجمة المتن بلسان العجم ليعم نفعها لهم و أنا العبد إبراهيم بن محمد الحسيني الجرجاني الواعظ، بأمر السلطان الأعظم أبو الغالب محمد بن طهماسب شاه - أدام الله أيام سلطنته و غفر لوالده و أيده و أبد أولاده في خدمته، و يرحم الله عبداً قال آميناً.» (ص ١٤)

٣. الصراح من الصراح قرشى. مورخ ذى قعدة ٧٠٠ هـ. ق - و چنان که پیداست بسیار نزدیک به حیات مؤلف.^٧ (نگر: صص ٢٣ - ٢٤).

٤. یک واژه نامه تازی به پارسی که تحت عنوان «لغت عربی به فارسی» معرفی شده و آغازش افتاده است. لیک ترجمه لغات بس کهنه می نماید و خود نسخه نیز از سده هشتم هجری است. (نگر: صص ٢٤ - ٢٨).

٥. کتابی منظوم به فارسی تحت عنوان «نصایح الولد» مولانای رومی - علیه الرحمة - که نسخه آن از سده دوازدهم است. (نگر: ص ٣٣).

٦. نهج البلاغة کتابت شده در ١٠٨٤ هـ. ق.

اهمیت فوق العاده اش در آن است که حواشی بسیار دارد و بنابر پایان نوشت نسخه از روی دستنوشته کتابت شده که با دستنوشته سید رضی - رضی الله عنه - مقابله شده بوده و هر آنچه کاتب در هوامش این کتاب به رنگ سرخ نوشته، ضبط نسخه رضی است. (نگر: صص ٣٨ - ٤١)

نص پایان نوشت یاد شده از این قرار است:

«کتبت نسختی من نسخة ألتی قبولت بنسخة السيد الرضى - رضى الله عنه - والحمد لله على ذلك، و صلواته على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و كل ما كتبت بالحمرة على حواشى هذا الكتاب فهو نسخة السيد الرضى - رضى الله عنه - ثم عورض عليها بعد ما كتب منها النسخة المذكورة والحمد لله رب العالمين». (ص ۳۸).

۷. نفحات الانس جامی، کتابت شده در سده نهم، دارای حواشی مختوم به عبارت «منه - قدس سره». (نگر: صص ۴۷ - ۴۹)

۸. پنج گنج نظامی، نسخه کامل کتابت شده در سده هشتم که برخی برگهای ترمیمی دارد. (نگر: صص ۴۸ - ۵۰)

این دستنوشست یکی از کهنه ترین دستنوشتهای خمسة نظامی در جهان است و در کنار نسخه کهنه پاریس که اساس طبع دانشمندان شوروی سابق بوده و نسخه دانشگاه طهران و نسخه سعدلو که این هردو نسخه برگردان شده اند، باید در تصحیح خمسة نظامی به کار رود.

۹. زندگینامه مولای رومی به قلم زین العابدین شیروانی و شرح دیباچه مجلدات مثنوی مولوی، هردو در یک مجموعه. (نگر: صص ۵۵ - ۵۶)

(چون استاد برکت - شکر الله مساعیه - تصویر این نسخه را برای مخلص برداشته و به اصفهان ارسال کرده اند و دو رساله یاد شده خالی از اهمیتی نیستند، ترجیح می دهیم در اینجا به نام بردنشان بسنده کنیم و - ان شاء الله الرحمن - در یادداشتی دیگر با استقلال درباره آنها سخن بگوییم.)

۱۰. لؤلؤة البحرين شیخ یوسف بحرانی، مؤرخ ۱۱۸۲ ه. ق. دارای «بلاغ سماعی» و حواشی مختوم به «منه - دام ظلّه» (نگر: صص ۷۷ - ۷۸)

۱۱. حاشیه ملا خلیل قزوینی بر عذة الأصول، کتابت شده در سده یازدهم، دارای حواشی مختوم به «منه - سلمه الله» (نگر: ص ۹۲)

۱۲. صحیفه سجّادیّه با ترجمه فارسی بین السطور، کتابت شده در سده یازدهم. (نگر: ص ۹۶)

به همین اندازه بسنده کرده، نام صحیفه شریفه و رقم خجسته «دوازده» را مسک الختام قرار می دهیم و توفیق همگان، خاصه فرهیختگان اقلیم پارس، به طور اخص: استاد شیخ محمد برکت شیرازی، را، در خدمت به یادگارهای فرهنگی تمدن شکوهمند اسلام از خداوند کارساز بنده نواز می خواهیم.

اصفهان - پایان فروردین ماه ۱۳۸۵ ه. ش.

پی‌نوشت‌ها

۱. کما اینکه گفته‌اند:

قُلْ لِمَنْ لَا يَرَى الْمُعَاوِرَ شَيْئاً
وَ يَسْرِى لِأَوَائِلِ التَّقْدِيمِ
إِنَّ ذَاكَ الْقَدِيمَ كَانَ حَدِيثاً
وَ يَعُودُ هَذَا الْحَدِيثُ قَدِيماً

(کشف الخفاء و مزیل الإلباس عجلونی، ط. دارالکتب العلمیة، ۲ / ۲۵).

در این موضوع داوری میان متقدمان و متأخران، مطالبی خواندنی و دلکش آمده است در: أمل الأمل شیخ حرّ عاملی، ط. الشیّد أحمد الحسینی [الاشکوری] ۱ / ۷ - ۸.

۲. شرح گوشه‌ای از این بی‌رونقی را در حیطه هنرهای سنتی، باید در مجلد هنر و هنرمندان از تاریخ اصفهان زنده یاد استاد جلال الدین همائی خواند و خون گریست و دانست چه سموم‌ها بر طرف بوستان گذشته و این پژمردگی‌ها و دلمردگی‌های «امروز» ما، ریشه در کدام «دیروز» دارد!

۳. در همین کوتاه مدتی که این کتابخانه از پرده بدر آمده و با آنکه هنوز فهرست کامل آن نیز منتشر نگردیده است، از نسخ آن در شمار معتناهایی از پژوهشهای ثرائی بهره جسته شده و هم اکنون چند کتاب و رساله جدید الطبع را به خاطر دارم که در مقدمه‌های مصححانشان، نشانی بهره‌وری از این گنج شایگان به دست داده شده.

۴. شاید در این میان ارزیابی نه چندان کارشناسانه یکی از نسخه‌شناسان محلی نیز مؤثر بود. گمان می‌کنم او این نسخه را چیزی حدود پانصد هزار تومان قیمت گذاشت و با این قیمت‌گذاری البته پیداست که مالک نسخه چه اندازه دلسرد و بی‌رغبت شد!

شگفت آنکه چند سال بعد همین ارزیاب یک رساله فقهی عصر قاجاریه را که اهمیت فوق‌العاده‌ای نداشت و از آثار دست‌اول هم محسوب نمی‌شد، چون به خط مصنف بود، یک میلیون تومان یا بیشتر قیمت‌گذاری کرد!!

۵. چنان که جای دیگر خاطر نشان کرده‌ام (نگر: در حضرت وحی و ولاء، ج: ۱، صص ۱۱ - ۱۲) انتساب رساله حسنیّه به شیخ ابوالفتح رازی - رضی الله عنه و أرضاه - «بغایت مشکوک» است. لیک، به هر دری، این رساله و ساختارش و اندیشه‌ای که در پس پردازش آن - و پاره‌ای همانندانش - بوده، سخت درخور نگرش و مطالعه می‌نماید.

۶. خوب است یاد شود که سید حیدر - اعلی الله مقامه الشریف - در کار رونویسگری کتب مردی کوشا بوده و یادگارهای نیکویی به خط عزیز وی بازمانده است؛ مانند دستنوشست استقصاء البحث و النظر فی القضاء والقدر که ضمن مجموعه شماره ۴۹۵۳ در کتابخانه مجلس محفوظ و در فهرست آن کتابخانه (۱۴ / ۲۲۴ - ۲۲۵) مذکور است (نگر: مکتبه العلامة الحلّی، السید عبدالعزیز الطباطبائی، ط: ۱، قم: مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - لاهیات التراث، ص ۴۹)، و دستنوشست أجوبة المسائل المهنائیة که در تراجم الرجال (السید أحمد الحسینی [الاشکوری]، ط: ۱، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱ / ۱۹۵) از آن یاد شده، و دستنوشتی از الرحمة فی اختلاف الأئمة فی رکن الدین جرجانی که مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی رونوشت آن را رؤیت فرموده بوده است (نگر: الذریعة، ۵ / ۱۷۲).

مرد بسیار کتابدوست بوده و جز در کتب ارجمندی که استنساخ فرموده نیز اثر قلم فرخنده‌اش باقی است؛ مانند نسخه‌ای از غایة البادی فی شرح المبادئ (در اصول) که یادداشتی دارد به خط وی، مشعر به آن که سید حیدر این کتاب را به سال ۷۶۶ ه. ق. از نظام الدین محمود خریداری کرده است (نگر: الذریعة، ۱۶ / ۱۰).

جای آن است «کتاب ورزی»‌های این مرد بزرگ در مقالاتی مورد تفتیش و تنقیب واقع شود؛ دست کم از برای آنکه برخی عرفانگرایان معاصر ما به یاد آورند که - اگرچه «دفتر صوفی سواد و حرف نیست / جز دل اسپید همچون برف

نیست» - مرد عارف بزرگی چون سید حیدر آملی در عین تلاش برای «رفع حجب» اینگونه به «جمع کتب» اهتمام می‌کرده است، و به نام «عرفان» و «معنویت»، بر طبل «بی عملی» نمی‌کوفته، و بیاض دل و جان خلق را به سواد بی‌خبری نمی‌آلوده و... و... رحم الله معشر الماضین!

۷. سالهاست شنیده‌ام این کتاب پُر ارزش را استاد دکتر محمد جواد شریعت (گویا، از روی دستنوشته مؤلف که باز، گویا، در کتبخانه‌های ترکیه بوده است) در دست تصحیح دارند. امیدوارم مشتاقی و مهجوری دوستداران این فرهنگ به پایان آید و استاد شریعت هرچه زودتر کار آن را به فرجام برند. ایدون باد!

